

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

انینۀ ایران

نویسنده: شهناز نیکوروان  
فرستنده: حمید محوی  
۲۲ دسمبر ۲۰۱۴

## خودسوزی و خودکشی

### فریاد کمک طلبی زنان مناطق محروم لرنشین

طبق آمار پزشکی قانونی کشور بین سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۹۱ بیش از ۳۰ هزار نفر بر اثر خودکشی جان خود را از دست داده اند. (۱)

به گزارش تهران امروز، «جعفر بوالهروی» رئیس انستیتوی روان‌پزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران می‌گوید: «آمار اقدام به خودکشی‌ها، ۱۰ برابر بیش از خودکشی‌های منجر به فوت است.»

البته باید اشاره کرد در ایران، سال‌ها طول کشید تا مسؤولان از انکار آسیب‌ها و مشکلات اجتماعی جامعه دست بکشند، اما اکنون این انکار خود را از موضع عدم اعلام درست و دقیق آمار خودکشی نشان می‌دهد و پزشکی قانونی نیز مدعی است نگاه سنتی خانواده‌ها به مسأله خودکشی در کشور ما باعث می‌شود تا به آمار دقیق و صحیح دسترسی نداشته باشیم چون در بسیاری از شهرها خودکشی هر یک از افراد خانواده موجب بی‌حیثی و بی‌آبروی خانواده می‌شود و این امر سبب می‌شود مرگ ناشی از خودکشی هرگز اعلام نشود. اما با این حال دسترسی به آمار تا حدی وجود دارد که بتوان به آنها استناد کرد.

بر اساس آمارهای رسمی منتشر شده آمار خودکشی در ایران روزبه روز افزایش می‌یابد و هر روز ۱۱ نفر خودکشی می‌کنند. آمار خودکشی در زنان متأهل بیش از دختران مجرد می‌باشد (۲) و مهم‌تر از همه استان‌های محروم کشور صدرنشین جدول این آمارها می‌باشند.

استان‌های ایلام، خوزستان، لرستان، کرمانشاه، گلستان و کهگیلویه و بویراحمد بیش‌ترین میزان خودکشی در کشور را دارند. (۳)

امیل دورکیم جامعه‌شناس فرانسوی تعریف روشنی از خودکشی در کتاب معروف خود به نام خودکشی ارائه می‌دهد و معتقد است: «خودکشی یعنی هرگونه عمل و رفتاری که متأثر از عوامل مختلف برای حذف خود صورت می‌گیرد. این حذف خود ممکن است برگرفته از عوامل مختلفی می‌باشد.»

تعریف خودکشی هرچه باشد ناشی از آسیب‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی است. خودکشی اتفاقی نیست که در یک لحظه صورت گیرد بلکه خودکشی حاصل استیصال و بی‌پناهی انسانی است که شاید روزها و ماه‌ها و سال‌ها به آن

اندیشیده و با آن خوگرفته چرا که راه حل دیگری پیش روی خود نداشته و چشم اندازی است که بحران‌های سخت زندگی را با آن به سامان رساند.

حکومت نیز خود اعتراف می‌کند که مشکلات اقتصادی به خصوص بیکاری در استان‌های محروم مانند ایلام از دلایل اصلی اقدام به خودکشی در این منطقه است. عضو کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس درباره بیکاری و پیامدها و تأثیرات آن در یکی از استان‌های کشور گفت: علت‌العلل، ام‌الفساد و مهم‌ترین عامل تأثیرگذار در موضوع تلخ خودکشی و خودسوزی، بحث بیکاری است. (۴)

رئیس اوژانس اجتماعی کشور دکتر **حبیب‌الله مسعودی فرید** در گفت و گو با خبرنگاری ایسنا با انتقاد از این که هنوز موضوع خودکشی یا حتی سلامت روان در اولویت کار سیاست‌گذاران و برنامه ریزان حوزه سلامت کشور قرار نگرفته است، می‌افزاید: هر یک درصد افزایش در نرخ بیکاری، ۷۹ درصد به افزایش نرخ خودکشی افراد زیر ۶۵ سال می‌افزاید. (۵)

در سال ۱۳۸۳ نرخ اقدام به خودکشی در ایلام و خوزستان ۷۰.۱ در هر صد هزار نفر بوده و همچنین لرستان با ۱۱.۴ در هر صد هزار نفر در رتبه بعدی و استان کهگیلویه و بویر احمد نیز با ۹.۲ در هر صد هزار نفر استان محروم دیگری است که در رده های صدر جدول آمار خودکشی کشور قرار دارد که در سال ۹۱ به رقم ۱۸ در صد هزار این استان افزایش یافته است (۶) و باید اشاره کرد که در سایر استان‌ها نیز به ترتیب این آمار نه تنها کاهش نیافته بلکه تا سال جاری سیر صعودی داشته است. هرچه مشکلات اقتصادی و اجتماعی افزایش می‌یابند، خودکشی نیز افزایش می‌یابد چون بر اساس یافته‌های آماری همبستگی بین این فاکتورها و اقدام به خودکشی رابطه مستقیم وجود دارد و متأسفانه در سال ۱۳۹۲ استان‌های کهگیلویه و بویر احمد و چهارمحال و بختیاری بالاترین آمار خودکشی را داشته است. مردان با سلاح گرم و حلق آویز کردن و زنان با دارو و سموم اقدام به خودکشی نمودند. (۷)

از اوایل قرن بیست و یکم بیشتر استنباط این است که افزایش آمار خودکشی ناشی از زندگی ماشینی است و طبق ادعای عده‌ای از روانشناسان خودکشی یکی از معضلات بزرگ جامعه سرمایه داری است اما بر اساس این ادعاها قاعدتاً باید فاکتورهای را برشمارد که منجر به خودکشی در این جوامع می‌شود و در رابطه با آنها به بحث و بررسی پرداخت. آنچه مسلم است ماشینی یا صنعتی شدن جوامع با رشد سرمایه‌داری همراه بوده است گرچه در این جا هدف بحث علمی و روان شناسی خودکشی مطرح نمی‌باشد اما پرداختن مختصری به چرایی خودکشی بحث برای ورود به مقوله خودکشی در مناطق محروم ایران و فاکتورهای مؤثر بر اقدام به خودکشی و افزایش آن، با توجه به شرایط سخت زندگی مردم این مناطق لازم و ضروری به نظر می‌آید.

اکثر روانشناسان و جامعه شناسان خودکشی را پدیده‌ای اجتماعی می‌دانند که حاصل روابط اجتماعی می‌باشد اما باید گفت یکی از مهم‌ترین فاکتورهای مؤثر در خودکشی در مناطق محروم را می‌توان مشکلات اقتصادی مانند فقر و بیکاری در این استان‌ها دانست که بخش عظیمی از این مشکلات مربوط به عدم توسعه یافتگی اقتصادی و اجتماعی این استان‌ها می‌باشد. علاوه بر این فاکتور بسیار مهم که تبعات اجتماعی و فرهنگی بسیاری را به دنبال دارد، باید به ویژگی‌های فرهنگی خاص حاکم بر اقوام ساکن در این استان‌ها، به خصوص استان‌های لر نشین مانند: ایلام، خوزستان، لرستان، کهگیلویه و بویر احمد و چهارمحال بختیاری در ارتباط با زنان اشاره کرد، مانند فشارهای روحی و روانی ناشی از تفاوت نگرش به زندگی، اعتیاد همسر، عدم موفقیت در تشکیل خانواده و از سوئی فشارهای روانی ناشی از شرایط اجتماعی، ازدواج‌های اجباری و محرومیت‌ها و ناملامت‌هایی که برای فرد قابل تحمل نمی‌باشند. زنی که با اجبار پدر و خانواده پا به خانه بخت می‌گذارد اما با زندگی بی‌سروسامانی مواجه می‌شود که هیچ گریزی ندارد، "با پیراهن سفید آمده باید با کفن سفید خانه شوهر را ترک کند"، تا چه مدت خواهد توانست ناملامت زندگی را تحمل کند؟ اعتیاد

همسر، کتک خوردن، فقر، بیکاری همسر و... از طرفی هیچ حامی در این بحران ویران کننده ندارد. همه این مشکلات روزی کاسه صبر او را لبریز خواهد کرد و راهی جز خودکشی نمی یابد. به هر حال در محیط هائی که امکان طلاق و جدا شدن مشکل بزرگی باشد، احتمال خودکشی بیشتر است.

در مقایسه بین استان های توسعه یافته و کمتر توسعه یافته کشور شاهد این هستیم که نسبت طلاق در استان های کمتر توسعه یافته مثل ایلام و لرستان نسبت به استان های توسعه یافته تر مثل گیلان و تهران پائین تر است اما در عوض اقدام به خودکشی و خودسوزی زنان بالاتر است. (۸)

وقتی خانواده و جامعه هیچ حمایت و کمکی به زنان آسیب دیده نمی کنند، بعد از این همه مشکلات پناهگاه آخر جائی جز آغوش سرد خاک نخواهد بود، پایان همه چیز (!) برای زنی که هیچ راهی ندارد. این یک معضل عظیم اجتماعی است که هر چه تنگناهای زندگی عرصه را بر مردم مناطق محروم تنگ می کند به اشکال مختلف عوارض ناشی از آن مانند: اعتیاد، تن فروشی، خودکشی، طلاق و... خود را بیشتر بروزمی دهد. خودسوزی زنان در استان های ایلام، خوزستان و کهگیلویه و بویر احمد و لرستان بعد از نرخ بیکاری و فقر و مهمتر از همه توسعه نیافتگی، این استان ها را در صدر اخبار و آمار قرار داده است. حل مشکل اشتغال و استقلال مالی زنان و دختران در این مناطق می تواند گره بزرگی از مشکلات آنان را در این مناطق باز کند.

خودسوزی پنج زن باردار در خرم آباد در ماههای پایانی سال ۱۳۸۹ (۹) فاجعه بزرگی بود که حاصل یک سیستم بیمار و نابرابر جامعه است، مادری که منتظر تولد فرزندی است و این انتظار شیرین ترین لحظات زندگی است، برای او چه اتفاقی می افتد که به شعله های آتش تن می سپارد؟ و چرا؟ چرا مرگی به این شدت خشن؟ آیا این خودپیرانگری را می توان حس کرد؟ راهی که قربانی، قربانی فقر و بدبختی و بی پناهی انتخاب کرده، راهی بسیار تکان دهنده است، گوئی قربانی هرگز حس و درک نشده است! گاهی وقتی جامعه به یک انسان پناه نمی دهد، خانواده به او پناه می دهد، اما زنان مزبور گویا راه به هیچ پناهگاهی نداشته اند.

جای تأسف بسیار است که سرمداران حکومتی نه تنها هیچ اهمیتی به این مشکل نمی دهند بلکه علل خودکشی را در عواملی می دانند که ریشه علمی و روان شناسی ندارد و انتظار دارند که مردم با روی آوردن به دین و قوی کردن ایمان شان به خدا از اقدام به خودکشی خود داری کنند.

در روزهای گذشته نیز شاهد اخبار تکان دهنده خودسوزی دو خواهر نوجوان درودی در مقابل دادگستری درود بودیم. این از جمله مشکلات فرهنگی بزرگی است که زندگی دختران و زنان را در این مناطق به شدت تهدید می کند. پرداختن دیه با زندگی دختران نوجوان و یا همان فرهنگ منحط "خون بس" که اکنون دوباره در حال احیاء شدن است. تهدید بزرگی است که به علت عدم وجود سازمان ها یا نهادهای مترقی و مردمی زندگی و سرنوشت زنان و دختران را در این مناطق تهدید می کند. در جوامع پیشرفته کنونی در اروپا جامعه و دولت خود را موظف به حمایت از زنانی می داند که آسیب دیده یا در معرض آسیب پذیری جسمی یا روانی می باشند و مراکزی به همراه مشاوران حضور دارند تا به این زنان کمک کنند تا جایگاه اجتماعی خود را مجدداً به دست آورند و در اکثر موارد قانون حامی زنان است. البته باید گفت که این امکان حاصل مبارزه و تلاش پیگیر زنانی بوده که سال های سال برای رسیدن به این خواسته ها تلاش کردند و دست از زندگی و آسایش خود شسته اند. در ایران نیز با ایجاد خانه های امن برای زنان و دخترانی که در معرض خطر می باشند می توان از افزایش روزافزون خودکشی و فرار دختران و گرفتار شدن در باندهای خطرناک تن فروشی، اعتیاد و قاچاق جلوگیری کرد.

در پایان باید گفت که خودسوزی و خودکشی این دختران نوجوان و سایر زنان فریادی است که جامعه و تک تک ما را به کمک می طلبد و باید برای کمک به این انسان ها ما چون زنانی پیشگام قدم جلو نهاده و به هر شکل ممکن از وقوع این جنایت فجع جلوگیری کنیم.

**منابع:**

(۱) <http://mardomsalari.com/Template1/News.aspx?NID=187563>

(۲) (<http://www.asriran.com/fa/news/330338>)

**(۳) <http://ebrat.ir/?part=mobile&inc=news&id=48646>**

(۴) <http://www.tabnak.ir/fa/news/325224>

(۵) <http://isna.ir/fa/news/93062212686> ).

(۶) <http://www.bornanews.ir/Pages/News-133044.aspx>

(۷) <http://tnews.ir/news/484A17356138.html>

(۸) <http://www.ilna.ir/news/news.cfm?id=203220>

(۹) <http://aftabnews.ir/vdca0an6o49n601.k5k4.html>